

ارائه‌ی الگوی مطلوب طراحی برنامه‌ی درسی بین رشته‌ای کارشناسی علوم اجتماعی

دکتر جمال سلیمی* دکتر حسن ملکی** دکتر محمود مهرمحمدی***

چکیده

اکنون برنامه‌ی درسی حوزه‌ی علوم اجتماعی دربرگیرنده‌ی رشته‌ها و گرایش‌هایی است که جمعاً دارای ۸ شاخه است. در ساختار نظام‌های آموزشی پیشرفته دنیا، هم‌چون آمریکا، کانادا، استرالیا و بیش‌تر کشورهای اروپایی، علوم اجتماعی دارای دسته‌بندی‌های گسترده‌ای است. هدف پژوهش آن است تا به یاری دانش نظری موجود در ارتباط با برنامه‌ی درسی بین رشته‌ای، و با مرور وضعیت کنونی برنامه‌های درسی حوزه علوم اجتماعی در ایران و جهان و انجام مصاحبه با صاحب‌نظران حوزه‌ی علوم اجتماعی، به ارائه‌ی الگویی جهت طراحی برنامه‌های درسی بین رشته‌ای در این حوزه پرداخته شود. مصاحبه‌ها با استفاده از روی‌کرد «راهنمای مصاحبه عمومی» انجام شده است. تحلیل داده‌های این پژوهش عمدتاً به صورت کیفی (فرآیند سه مرحله‌ای، استخراج داده‌ها، عرضه و نمایش داده‌ها و تفسیر و تحلیل) انجام شد. نتایج پژوهش شامل الگویی طراحی شده است که در نهایت از دیدگاه متخصصان برنامه‌ریزی درسی و علوم اجتماعی اعتبارسنجی شده است. در بخش اعتبارسنجی مدل برنامه درسی بین رشته‌ای علوم اجتماعی، از یکی از روش‌های کیفی تحت عنوان «روش تحقیق گروه‌های کانونی» استفاده شده است. **کلید واژه‌ها:** مدل برنامه‌ی درسی، بین رشته‌ای، آموزش عالی، کارشناسی علوم اجتماعی.

مقدمه

قرار گرفتن علوم اجتماعی در کنار سایر رشته‌های دانشگاهی، مرحله‌ی مهمی از حیات این حوزه‌ی علمی محسوب می‌شود (گارتون، ۲۰۰۵). نظام دانشگاهی و علمی

* e-mail: j_salimi2003@yahoo.com

* استادیار دانشگاه کردستان

e-mail: malaki_cu@yahoo.com

** دانشیار دانشگاه علامه طباطبائی

e-mail: Mehrmohammadi_tmu@hotmail.com

*** استاد دانشگاه تربیت مدرس

تاریخ پذیرش: ۹۰/۱۰/۶

تاریخ دریافت مقاله‌ی نهایی: ۹۰/۹/۶

تاریخ دریافت: ۹۰/۵/۱۷

کنونی، که حاصل چند دهه مجادله میان متفکران غربی است، سرانجام با تفکیک علوم اجتماعی از علوم انسانی و علوم طبیعی به نظر می‌رسید به توافقی میان این متفکران دست یافته باشد، لیکن بحث‌های دهه‌ی آخر قرن بیستم بر حذف مرزهای قراردادی میان این سه شاخه‌ی اصلی علوم تأکید کرده است (اجلایی، ۱۳۸۷: ۴۹). در ایران هم تدوین کنندگان برنامه‌های درسی علوم اجتماعی در ابتدا معتقد بودند که این برنامه انعطاف‌پذیر است. یعنی ایجاد و حذف یک یا چند گرایش کاربردی لطمه‌ای به کل آن نمی‌زند و می‌توان رشته‌هایی را که دارای دست کم ۴۰ واحد درسی و زمینه‌های لازم کاربردی باشند، به صورت یکی از شاخه‌های کاربردی رشته‌ی علوم اجتماعی درآورد (شایان یاد است که بقیه‌ی دروس دوره‌های کارشناسی با هم مشترکند). برای مثال، بر اساس مصوبه‌ی ۱۲۶ جلسه شورای عالی برنامه‌ریزی به تاریخ ۱۳۷۵/۷/۱۵، درباره‌ی ایجاد گرایش مردم‌شناسی، چنین اقدامی صورت گرفته است (نراقی و آیتی، ۱۳۷۹).

گرایش‌ها و رشته‌های حوزه علوم اجتماعی، در حال حاضر، بسیار پراکنده و برنامه‌های درسی آن‌ها به نوعی بسیار ضعیف و بیش‌تر شامل تکرار دروسی خاص در تمام رشته‌های این حوزه از علوم است. این رشته در دانشگاه‌های ما، دارای گرایش‌های چند گانه‌ای است که در قالب رشته‌های مجزا ارایه می‌شوند. این گرایش‌ها عبارتند از: پژوهش‌گری علوم اجتماعی، برنامه‌ریزی اجتماعی، تعاون و رفاه اجتماعی، خدمات اجتماعی، مردم‌شناسی، کارشناسی ارتباطات اجتماعی، روابط عمومی و رشته مددکاری اجتماعی. دروس تخصصی هر رشته تنها شامل واحدهای اندکی است (بین ۲۱ تا ۴۱ واحد) که در نهایت نمی‌تواند تخصصی را تربیت کند که دارای توانایی‌ها و قابلیت‌های لازم و مورد انتظار یک متخصص در آن رشته‌ها باشد.

علوم اجتماعی در ساختار نظام‌های آموزشی کشورهای پیشرفته، هم‌چون آمریکا، کانادا، استرالیا و بیش‌تر کشورهای اروپایی به‌طور معمول، رشته‌های جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، اقتصاد، علوم سیاسی، روان‌شناسی و چندین رشته دیگر را شامل می‌شود. جامعه‌شناسی به دنبال مطالعه‌ی نظام‌مند ساختارهای اجتماعی (به‌طور مثال، چارچوب‌هایی که سطوح گوناگون طبقات مردم را دربرگرفته است)، عمل جمعی انسان‌ها، فرهنگ و روابط اجتماعی و اثرات زمینه‌ی اجتماعی بر رفتارهای انسان می‌باشد (کالهن^۱، ۲۰۰۲a, b). انسان‌شناسی دارای دو حوزه است: زیستی (فیزیکی) و فرهنگی. بُعد زیستی به دنبال مطالعه‌ی علمی ژن‌ها، رشد، تنوع گونه‌های انسانی در دوران‌های گوناگون تاریخی

می‌باشد و بُعد فرهنگی به ابعاد زبان‌شناسی، قوم‌نگاری و باستان‌شناسی می‌پردازد (امبر و امبر^۱، ۲۰۰۴).

اقتصاد به مطالعه‌ی ماهیت کارکرد سیستم‌های اقتصادی خرد و کلان می‌پردازد و به دنبال ارایه ملاک‌هایی برای ارزیابی کارایی آن‌ها در تولید کالا و ارایه‌ی خدمات است (سملسر و سویدبرگ^۲، ۲۰۰۵).

علم سیاست به مطالعه‌ی مبحث «قدرت» و اثرات آن بر دولت‌ها، فرآیندهای سیاسی، ساختارها، ایدئولوژی‌ها و نوع ارتباطاتی که در چارچوب نقش‌ها، سلطه و اقتدار تعریف می‌شود، می‌پردازد.

روان‌شناسی به دنبال توصیف و توضیح درونی رفتارهای بیرونی انسان‌هاست، در حالی که سایر علوم انسانی به دنبال توضیح عناصری هستند هم‌چون درآمد و رفاه (علم اقتصاد)، جایگاه اجتماعی (جامعه‌شناسی) یا قدرت (علم سیاست) که در بیرون از وجود انسان‌هاست (هافمن، ورنوی و ورنوی^۳، ۲۰۰۰).

جامعه‌شناسی، علم مطالعه‌ی جامعه است؛ این که چگونه سازمان می‌یابد؟ چگونه تغییر می‌کند؟ (قانع‌ی‌راد، ۱۳۸۶) جامعه‌شناس به دنبال آن است که همانندی‌ها را کشف کند و نظریه‌هایی را در مورد جامعه، اجتماعات، مؤسسات، انجمن‌ها، گروه‌ها، خانواده‌ها، ارتباطات درون فردی، تحرکات اجتماعی، طبقات اجتماعی و نهادهای اجتماعی، ارایه کند. جغرافیا، علم مطالعه‌ی مکان‌ها و فضاها، به تحلیل، تفسیر و تبیین رویدادها، پراکندگی و ارتباط درونی الگوهای فیزیکی و فرهنگی روی کره‌ی زمین می‌پردازد. هم‌چنین، این رشته، چگونگی تغییر فیزیکی زمین و مناظر انسانی آن در طول زمان را مورد مطالعه قرار می‌دهد (موریل، ۲۰۰۸).

برنامه‌ی درسی بین رشته‌ای در آموزش عالی (مبنای نظری)

روی کرد بین رشته‌ای^۴ نشان‌گر جهت نگاه و چگونگی شناخت و فهم مسایل و موضوعات پیچیده، چندوجهی و چندبخشی است که در فضای بین رشتگی^۵ معنا پیدا می‌کند (بایلیز، ۲۰۰۶). از منظری دیگر، روی کردهای بین رشته‌ای مبین نسبت و نحوه پیوند و تعامل میان دانش، مفاهیم، روش‌ها، تجارب، مهارت‌ها و ابزارهای مختلف از رشته‌های گوناگون در خصوص مشکل، موضوع یا مسأله‌ی مورد نظر هستند.

1. Ember & Ember 2. Smelser & Swedberg 3. Huffman, Vernoy & Vernoy
4. Interdisciplinary approach 5. Interdisciplinarity

به یک اعتبار، هدف هر روی کرد میان رشته‌ای نشان دادن جهت‌گیری‌ها و شیوه‌های همکاری، مشارکت و ایجاد مفاهیم میان کنش‌گران و عناصر مختلف و درگیر با مسأله و موضوعی است که مستلزم فعالیت بین رشته‌ای، تلفیقی و گروهی است (سلیمی و همکاران، ۱۳۹۰).

اگرچه تقسیمات متعددی راجع به دیدگاه‌های رایج بین رشته‌ای وجود دارد اما، در یک تقسیم‌بندی کلی روی کردهای بین رشتگی به دو دسته‌ی عمده تقسیم می‌شوند: روی کرد ابزاری یا روش شناختی^۱، روی کرد مفهومی یا معرفت‌شناختی^۲ (رژه کوله^۳، ۲۰۰۶؛ کلین^۴، ۲۰۰۳ و ۲۰۰۵a؛ رپکو^۵، ۲۰۰۸).

روی کرد معرفت‌شناختی یا مفهومی، منطبق با بُعد شناختی یادگیرنده است و روی کرد ابزاری یا روش شناختی، متناسب با دیدگاه غیرشناختی و عملی در یادگیری است. روی کرد مفهومی به تولید دانش تلفیقی و منسجم هم‌چون توانایی تحلیل، ترکیب و ارزیابی توجه دارد و به دنبال نگرشی نوین در بازطراحی نحوه‌ی سازمان‌دهی اطلاعات، دانش و آگاهی‌ها، افزایش ارتباط و تعامل شناختی بین حوزه‌های علم و اصلاح دروس دانشگاهی از طریق ترکیب و تلفیق دانش و اطلاعات است. روی کرد ابزاری به سازمان‌دهی کار گروهی و توسعه توانمندی‌های ارتباطی و اجتماعی و انگیزه‌های فردی تأکید دارد. این روی کرد به دنبال ارتقای جنبه‌ی کاربردی دانش به منظور پوشش گسست ارتباطی بین دانشگاه و جامعه است. این روی کرد هم‌چنین، به اصلاح روش‌های آموزش دانشگاهی به منظور ارتقای شرایط همکاری علمی و استفاده از تمامی آن‌ها جهت حل مشکلات ممکن توجه دارد (مک‌کی، ۲۰۰۱). به عبارت دیگر، اگرچه روی کرد مفهومی به دنبال بازنگری و بازطراحی برنامه‌های درسی دانشگاهی است، اما روی کرد ابزاری تمرکز بر فرآیند آموزش و اجرا در نظام دانشگاهی است (رژه کوله، ۲۰۰۲؛ کلین، ۲۰۰۵a).

روی کرد ابزاری یک روی کرد عملیاتی است که بر پژوهش، استقراض روشی و حل مسأله‌ی عملیاتی، مبتنی است و هدف آن پاسخ به خواست‌های جامعه می‌باشد. به هر حال، روش استقراضی به تنهایی نمی‌تواند برای روی کرد ابزاری بین رشته‌ای کافی باشد، بلکه برای این کار نیازمند همکاری و در بعضی موارد، ترکیب نتایج هم هست (بارکر و دیگران^۶، ۲۰۰۵).

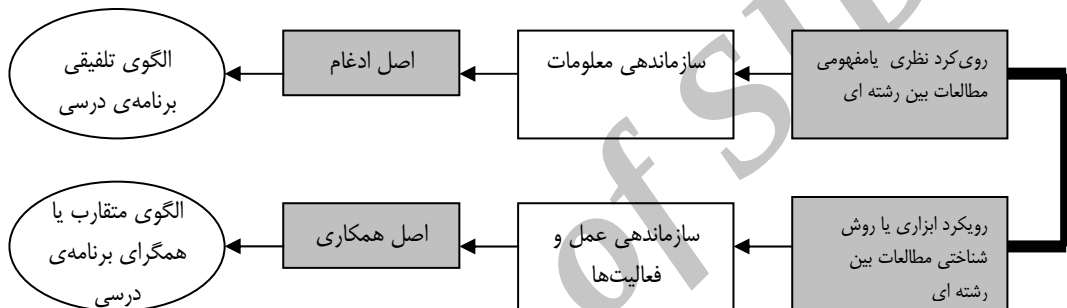
1. Instrumental or Methodological
3. Rege Colet

4. Klein

2. Conceptual or epistemological
5. Repko

6. Barker, et al.

روی کرد مفهومی بر تلفیق دانش، تدوین سؤالاتی که پایه و اساس تک رشته‌ای ندارند، تأکید می‌کند (سالتر وهاین^۱، ۱۹۹۶:۹). این روی کرد بر شناسایی و پوشش فاصله‌های ساختگی بین حوزه‌های معرفت شناسی و نظری و مفهومی دانش و اطلاعات تأکید دارد و هدف آن، غیر از پوشش این فاصله‌ها، عبارت از خلق و ایجاد دانش و اطلاعات نوینی است که بعضاً در قالب حیطه‌ها، حوزه‌ها و رشته‌های جدیدی ظاهر خواهد شد. توجه به آن چه گفته شد، روی کردهای عمده‌ی برنامه درسی بین رشته‌ای در آموزش عالی، دربرگیرنده‌ی گونه‌های سازمان‌دهی متعددی هستند که در نهایت اصول سازمان‌دهی محتوا را می‌توان از آن‌ها استخراج نمود. این دسته‌بندی‌ها را در نمودار ۱ می‌توان مشاهده نمود.



نمودار ۱: ارتباط بین روی کردهای بین رشته‌ای، اصول سازمان‌دهی و الگوهای برنامه‌ی درسی (سلیمی و همکاران، ۱۳۹۰)

روش پژوهش

پژوهش حاضر بر اساس روش گردآوری داده‌ها، از نوع تحقیقات توصیفی - تحلیلی و با توجه به هدف تحقیق، از نوع تحقیقات کاربردی می‌باشد. از سوی دیگر، چنانچه روی کرد یا پارادایم زیربنایی پژوهش مد نظر باشد، می‌توان این پژوهش را نوعی پژوهش کیفی دانست. پژوهش کیفی برای درک و فهم پدیده‌ها از داده‌های کیفی نظیر داده‌های حاصل از مصاحبه، مستندات، مشاهده‌ی مشارکتی، پرسش‌نامه و استفاده می‌کند (دانایی فرد و همکاران، ۱۳۸۸).

در این کار و در بخش اعتبارسنجی مدل برنامه‌ی درسی بین رشته‌ای علوم اجتماعی، از یکی از روش‌های کیفی تحت عنوان «روش تحقیق گروه‌های کانونی»^۲ استفاده شده است. شیوه‌ی گروه‌های کانونی، برای پی بردن درک افراد درباره‌ی یک موضوع ویژه به کار می‌رود. در این شیوه یک گروه از افراد متخصص که بتوان بر نظر آنان به عنوان کانون

بحث موضوعی متمرکز شد، انتخاب می‌شوند (بازرگان، ۱۳۸۷:۲۱).

در این پژوهش سعی شده است تا با استفاده از این روش پژوهش کیفی، نظرات متخصصان حوزه‌ی علوم اجتماعی در خصوص مدل برنامه‌ی درسی بین رشته‌ای طراحی شده را اخذ نماییم. در این بخش، مصاحبه‌ها با استفاده از رویکرد «راهنمای مصاحبه عمومی»^۱ انجام شده است. این رویکرد دربرگیرنده‌ی تشریح مختصر و کلی یک سری از عناوین و موضوعاتی است که باید با شرکت‌کنندگان در تحقیق بررسی شود (گال، بورگ و گال^۲، ۱۳۸۴:۵۳۱).

نکته‌ی دیگر، به دست آوردن داده‌ها و اطلاعات از منابع مختلف است. این کار بدان سبب انجام شده است که بتوانیم با استفاده از روش‌های متنوع، شناخت کلی‌تر یا جامع‌تری نسبت به پدیده‌ی مورد نظر به دست آوریم. بدین منظور، سعی شده خصوصیت سه وجهی گری^۳، در پژوهش خود را نشان دهد؛ چرا که این کار علاوه بر افزایش اعتبار پژوهش کیفی، درک عمیق‌تر پدیده‌ی مورد مطالعه را موجب می‌شود.

جامعه‌ی آماری، روش نمونه‌گیری و حجم نمونه

گروه‌های کانونی مطالعه در این پژوهش در دو مرحله و متشکل از افراد متفاوتی هستند (جدول ۱ و ۲). در مرحله‌ی اول به منظور شناخت وضعیت موجود برنامه‌های حوزه‌ی علوم اجتماعی با ۱۸ نفر از متخصصان و اعضای هیأت علمی حوزه‌ی رشته‌ی علوم اجتماعی و دانشجویان دوره‌ی دکتری در این رشته‌ها مصاحبه‌هایی انجام شده است. روش مورد استفاده برای نمونه‌گیری، هدفمند بوده است. از میان روش‌های مختلف نمونه‌گیری هدفمند که در تحقیقات کیفی متداول است، روش نمونه‌گیری زنجیره‌ای^۴ استفاده شد. بدین ترتیب که به منظور دستیابی به افراد نمونه با افراد مطلع مشورت شد تا آن‌ها موارد مناسب تحقیق را معرفی نمایند (گال، بورگ و گال، ۱۳۸۴:۳۹۳).

1. The general interview guide approach
3. Triangulation

2. Gall, Borg & Gall
4. Chain sampling

جدول ۱: توزیع فراوانی تعداد مصاحبه‌شوندگان، بر حسب رشته و مرتبه‌ی علمی در مرحله‌ی اول

رشته	مرتبه علمی		
	استادیار	دانشیار	استاد
	فراوانی	فراوانی	فراوانی
پژوهشگری اجتماعی	۳		۱
مددکاری اجتماعی	۱		۱
ارتباطات اجتماعی	۳	۱	۰
برنامه ریزی اجتماعی	۳	۱	
مردم شناسی	۱		۱
تعاون و رفاه اجتماعی	۱		۱

در مرحله‌ی بعد و به منظور اعتبار بخشی الگو، مجدداً مصاحبه‌هایی با متخصصان حوزه‌ی علوم اجتماعی (که در این مرحله تنها محدود به اعضای هیأت علمی دانشکده علوم اجتماعی نبودند) انجام شد (جدول ۲).

جدول ۲: توزیع فراوانی صاحب‌نظران جهت اعتبارسنجی الگو، بر حسب رشته و مرتبه‌ی علمی

رشته	مرتبه علمی		
	استادیار	دانشیار	استاد
	فراوانی	فراوانی	فراوانی
جامعه شناسی	۰	۱	۱
علوم سیاسی	۰	۱	۰
اقتصاد	۲	۱	۱
انسان شناسی	۱		۱
مددکاری اجتماعی	۰	۱	۱
پژوهشگری اجتماعی	۰	۱	۱
ارتباطات اجتماعی	۱	۱	۰

چگونگی انجام پژوهش

گام‌های اصلی انجام پژوهش، منابع اطلاعاتی در دسترس و روش‌های گردآوری داده‌ها در هر کدام از مراحل انجام پژوهش در جدول ۳ مشاهده می‌شود.

جدول ۳: گام‌های انجام پژوهش، منابع اطلاعاتی و روش‌های گردآوری اطلاعات و داده‌ها

گام‌های پژوهش	منابع داده‌ها	روش‌های گردآوری داده‌ها
مرحله اول: بررسی مبانی و اصول برنامه درسی بین رشته‌ای در آموزش عالی	- منابع علمی - مطالعات بین‌المللی - پژوهش‌های بنیادی	- واکاوای مدارک - مطالعه تطبیقی
مرحله دوم: بررسی میزان انطباق برنامه‌های درسی موجود در رشته‌های علوم اجتماعی با الگوی برنامه‌ی درسی بین رشته‌ای	- برنامه‌های مصوب علوم اجتماعی - پژوهش‌های انجام شده در حوزه برنامه‌های درسی علوم اجتماعی در داخل کشور - صاحب‌نظران	- سندیابی - مطالعه و جست‌وجو - مصاحبه با صاحب‌نظران - مصاحبه با دانشجویان - دکتری
مرحله سوم: تهیه و تدوین الگوی برنامه درسی بین رشته‌ای علوم اجتماعی	- صاحب‌نظران - منابع علمی - مطالعات بین‌المللی - بررسی برنامه‌های درسی بین رشته‌ای در دانشگاه‌های گوناگون جهان - تکیه بر الگوی نظری طراحی شده در برنامه درسی بین رشته‌ای در آموزش عالی	- استفاده از روش گروه‌های کنونی - مطالعه تطبیقی

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

تحلیل داده‌های این پژوهش عمدتاً به صورت کیفی (فرایند سه مرحله‌ای، استخراج داده‌ها، عرضه و نمایش داده‌ها و تفسیر و تحلیل) انجام شد. بدین ترتیب که داده‌ها پس از جمع‌آوری، به روش‌های مختلف خلاصه شد و آن‌گاه در قالب‌های مختلفی مانند جدول، شرح و توضیح، و یا اشکال دیداری آرایه و در نهایت از داده‌ها نتیجه‌گیری به عمل آمد. برای تحلیل ابتدایی مصاحبه‌ها از روش «بررسی روایی محتوا» استفاده شده است. با توجه به این که روش‌های مختلفی برای گردآوری داده‌ها، مورد استفاده قرار گرفته، روش‌ها و فنون مختلف تحلیل نیز به کار رفته است. در مطالعه‌ی تطبیقی، ضمن بررسی وضعیت برنامه‌های درسی حوزه‌ی علوم اجتماعی، عمل مقایسه انجام شد و ضمن دسته‌بندی خصوصیات آن‌ها، عمل مقایسه و بررسی نقاط مشترک و تفاوت صورت گرفته است. در این جا برای تحلیل مصاحبه‌ها از روش «تحلیل روایی محتوایی» استفاده شد.

نتایج پژوهش

سؤال اول: روی کردهای کنونی در برنامه‌های درسی دوره‌های علوم اجتماعی در ایران کدامند؟ تا چه اندازه با روی کرد برنامه‌ی درسی بین رشته‌ای مطابقت دارد؟

برنامه‌ی درسی در رشته‌های علوم اجتماعی در ایران، مثل سایر رشته‌های دانشگاهی، مبتنی بر تصمیمات مراجع بالاتر هم‌چون دفتر گسترش آموزش عالی انجام می‌شود. از طرف دیگر، در ادبیات برنامه‌ی درسی هم، دو شیوه‌ی طراحی الگوهای برنامه‌ی درسی در آموزش عالی بیان شده است (جی راتکلیف، ۱۳۷۶):

(الف) الگوهای نهادی- ساختاری^۱: این الگوها نشان دهنده‌ی ماهیت و سازمان دهنده‌های اصلی برنامه‌ی درسی آشکار هستند. بدین معنا که از آن‌ها، روش‌های مفهومی کردن و تحلیل ساختار سازمانی مؤسسات آموزش عالی، دانشکده‌ها، گروه‌های آموزشی و نظیر آن‌ها به دست می‌آید؛

(ب) الگوهای رشد دانشجو^۲: این الگوها تعامل بین دانشجو و محیط دانشکده را که به تجربه یادگیری منتهی می‌شود، توصیف می‌کنند.

بر اساس الگوی نهادی- ساختاری و با تحلیل نظام کنونی برنامه‌ی درسی در حوزه‌ی علوم اجتماعی، متوجه می‌شویم که ساختار حاکم بر برنامه‌های درسی یک ساختار متمرکز است. به این معنا که برنامه‌های درسی علوم اجتماعی در حوزه‌ی آموزش عالی در یک چارچوب نهادی شناخته شده‌ای قرار می‌گیرند که در آن، نه تنها برنامه‌های درسی تعریف شده‌اند بلکه نوع تقسیمات گروه‌ها، دانشکده‌ها و بخش‌های آموزشی نیز مشخص شده است و به معنای دیگر، تنها به نوع تقسیم‌بندی‌های ساختاری و نهادی، گروه‌بندی‌ها، تخصص گرایی و ... توجه شده است. با توجه به وضعیت کنونی برنامه‌های درسی علوم اجتماعی در ایران، می‌توان گفت روی کرد حاکم بر این برنامه‌ها از نوع تعریف برنامه به عنوان یک طرح یا دستور کار است. البته در این میان و در سال‌های مصادف با دومین برنامه‌ی توسعه خود را (۷۷-۱۳۷۳) که طی آن از دانشگاه‌ها خواسته شد تا برنامه‌ی ۵ ساله‌ی توسعه خود را تنظیم نمایند، تلاش‌هایی از طرف بعضی دانشگاه‌ها انجام و تغییرات عمده‌ای در دوره‌های تحصیلی و برنامه‌های درسی اتفاق افتاد. در بررسی‌های اسنادی و مصاحبه‌هایی که انجام شد، به این نکته‌ی اساسی برخورد کردیم که در چند سال گذشته بسیاری از گروه‌های علمی حوزه‌ی علوم اجتماعی، برنامه‌های درسی خود را بازنگری و پس از ارایه به هیأت امنای دانشگاه‌ها، توانسته‌اند برنامه‌های نوینی برای دوره‌ی کارشناسی ارایه کنند. البته

بعضی از گروه‌ها هم هنوز نتوانسته‌اند برنامه بازنگری شده خود را اجرا کنند، چراکه فرایند بررسی و تصویب آن هنوز طی نشده است.

شایان یاد است، مشارکت استادان در برنامه‌ریزی‌های درسی، به معنای آن نیست که گروه‌ها از آزادی عمل برای تغییر برنامه‌های درسی خود کاملاً برخوردارند. به گفته‌ی بعضی از استادان، در خوش‌بینانه‌ترین حالات، تنها ۳۰٪ از برنامه‌های پیشنهادی آن‌ها بدون تغییر تصویب می‌شود و بقیه با اعمال تغییرات عمده و یا کامل، مواجه می‌شوند.

بر اساس نتایج مصاحبه‌ها، وضعیت کنونی نظام آموزشی و درسی و ساختارهای مدیریتی برنامه درسی در حوزه‌ی علوم اجتماعی، امکان پرداختن و ورود به روی‌کرد بین رشته‌ای را در حد بسیار اندکی دارا می‌باشد، چرا که حداقل مشارکت اعضای هیأت علمی و آزادی عمل آن‌ها را شاهد می‌باشیم.

نوع نگاه به حوزه‌ی علوم اجتماعی و تقسیم‌بندی آن به دسته‌های علوم اجتماعی عام و خاص، که در آن علوم اجتماعی به معنای خاص فقط شامل جامعه‌شناسی و رشته‌های کاربردی علوم اجتماعی است و علوم اجتماعی به معنای عام، شامل همه‌ی رشته‌های دیگری که موضوع آن‌ها اجتماع است (هم‌چون اقتصاد، علوم سیاسی، حقوق و ...) می‌باشد، نیز دلیل دیگری است بر ناتوانی نظام برنامه‌ی درسی کنونی حوزه‌ی علوم اجتماعی (که ایده‌ی علوم اجتماعی خاص بر آن غالب است). البته باید این نکته‌ی اساسی را در نظر گرفت، وقتی صحبت از بین رشته‌ای بودن می‌شود، ذهنیتی که در مجامع علمی ما شکل گرفته، این است که باید حتماً نتیجه‌ی کار در قالب یک رشته‌ی نوین تحقق پیدا کند. در حالی که همه‌ی دوره‌های بین رشته‌ای الزاماً حالت رشته‌ای مجزا و نوین را نخواهند داشت. بعضاً ممکن است دوره‌های بین رشته‌ای در قالب همکاری بین گروه‌های موجود در داخل یک دانشکده انجام شود (برنامه‌ی درسی متقارب) و یا به صورت بررسی عمیق معرفتی و مفهومی ارتباطات رشته‌های مختلف و خلق یک حوزه‌ی معرفتی نوین ظهور پیدا کند.

با نگاهی گذرا به ساختار برنامه‌ها و دروس ارائه شده در بعضی از رشته‌های کنونی علوم اجتماعی، می‌توان گونه‌هایی از بین رشته‌ای را مشاهده کرد. مثلاً رشته‌ی پژوهش‌گری اجتماعی، که در آن درس جامعه‌شناسی ادبیات را می‌توان در فهرست دروس ارائه شده برای این رشته مشاهده کرد. جامعه‌شناسی ادبیات^۱ یکی از رشته‌هایی است که در چارچوب بین رشته‌ای ولی از نوع بین رشته‌ای متقاطع^۲ یا میان رشته‌ای و در حوزه‌ی علوم انسانی و علوم اجتماعی است که در آن، ادبیات (به عنوان رشته‌ای در حوزه‌ی علوم انسانی)، به لحاظ روش‌شناسی و از منظر و زاویه‌ی دید جامعه‌شناسی (به عنوان رشته‌ای در حوزه‌ی علوم

اجتماعی) مورد مطالعه و تحقیق واقع می‌شود.

سؤال دوم: با توجه به ویژگی‌های حوزه‌ی علوم اجتماعی (چند گرایش‌ی بودن) در دوره‌ی کارشناسی، چگونه می‌توان در این حوزه از رویکردهای بین رشته‌ای استفاده کرد؟ هم‌چنان که قبلاً اشاره شده، علوم اجتماعی در ایران دارای گرایش‌های ۸ گانه است. اما علوم اجتماعی در ساختار نظام‌های آموزشی دنیای پیشرفته دارای دسته‌بندی‌های گسترده‌ای است که به‌طور معمول، رشته‌های جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، اقتصاد، علوم سیاسی، روان‌شناسی و چندین رشته‌ی دیگر را شامل می‌شود. بر اساس تحلیل مصاحبه‌های استادان، تحلیل برنامه‌ها و وضعیت موجود برنامه‌های درسی علوم اجتماعی و هم‌چنین تجارب حاصل شده از اجرای برنامه‌های درسی بین رشته‌ای علوم اجتماعی در دانشگاه‌های متعدد و مختلف، می‌توان موارد زیر را مطرح نمود.

الف) راهبردهایی برای طراحی برنامه‌های درسی بین رشته‌ای در حوزه‌ی علوم اجتماعی.

- ارایه‌ی مدارک تحصیلی که دربرگیرنده‌ی دو رشته هستند و در نظام‌های آموزشی دنیا با عنوان ترکیبی از رشته‌ی اصلی (مهاد)^۱، و رشته‌ی فرعی (کهاد)^۲ شناخته می‌شوند (دانشگاه ساکسان و واترلو^۳؛ کلین، ۲۰۰۵). در این‌جا می‌توان برنامه‌ها را چنان طراحی کرد که دانشجوی در قالب مدرک کارشناسی، یک رشته بین رشته‌ای علوم اجتماعی هم‌چون روابط اجتماعی، سیاست‌های عمومی محیط زیست انسانی، برنامه‌ریزی شهری، برنامه‌ریزی روستایی، مطالعات بهداشت و سلامت، منابع انسانی در اجتماع، مطالعات بین‌المللی، قانون، حقوق و جامعه، مطالعات مربوط به سیاست‌های عمومی و مواردی دیگر را به عنوان رشته‌ی فرعی در کنار یکی از رشته‌های علوم اجتماعی - عنوان رشته اصلی - انتخاب کند و مدرک اخذ شده با عنوان یکی از رشته‌های علوم اجتماعی در کنار یک رشته‌ی بین رشته‌ای صادر شود.

یکی از دغدغه‌های استادان، این بود که چنان‌چه ما دوره‌ی کارشناسی را به برنامه‌های درسی و آموزشی بین رشته‌ای اختصاص دهیم، در این صورت دانش‌آموختگان، زمینه‌ی لازم برای استخدام و شغل در بازار کار نخواهند داشت. آن‌چه در نظام‌های آموزش عالی جهان برای رفع این نگرانی‌ها انجام شده، آن است که مدارک کارشناسی را به دو رشته‌ی اصلی و فرعی تقسیم کنند که در آن، رشته‌ی اصلی یکی از رشته‌های علوم اجتماعی و رشته‌ی فرعی یک رشته‌ی بین رشته‌ای است. در این صورت، رشته‌ی بین رشته‌ای متناسب با رشته‌ی اصلی (مهاد)، که دانشجوی انتخاب کرده است، تعیین خواهد شد. یعنی اگر

رشته‌ی اقتصاد را به عنوان رشته‌ی اصلی انتخاب کرده است، در کنار آن می‌تواند یکی از رشته‌های بین رشته‌ای هم‌چون منابع انسانی و اجتماع^۱، قانون و سیاست‌گذاری اقتصادی^۲ را به عنوان رشته‌ی فرعی (کهاد) انتخاب کند. بنابراین دانشجویان می‌توانند علاوه بر حوزه‌ی اقتصاد، در حوزه‌های دیگری هم که بین رشته‌های مختلف علوم اجتماعی و اقتصاد مشترک بوده، توانایی‌های زیادی جهت ارایه خدمات در بخش‌های مختلف اجتماع کسب کنند. این نوع از برنامه‌ی درسی کاملاً منطبق بر روی‌کرد برنامه‌ی درسی همگرا (متقارب) است.

- نوع تقسیم‌بندی واحدهای برنامه‌ی درسی و ساختار کنونی آن در رشته‌های علوم اجتماعی که به دروس پایه، الزامی و تخصصی تقسیم می‌شود. بنابراین، دانشجویان تمامی رشته‌ها، باید دروس پایه و الزامی را -که مشترک بین آن‌هاست- انتخاب و بگذرانند، این امر زمینه‌ی بسیار مناسبی برای حرکت به سمت بین رشته‌ای شدن را فراهم کرده است. به این صورت که دروس پایه را به دروسی از تمامی رشته‌های اساسی رشته‌های علوم اجتماعی هم‌چون روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، اقتصاد، علوم سیاسی، حقوق و ... اختصاص داده، به نوعی دو سال اول به آموزش عمومی و بین رشته‌ای علوم اجتماعی اختصاص داده شود.

- شاخه‌ها و رشته‌های کنونی علوم اجتماعی در ایران (آن‌چه در قالب رشته‌های علوم اجتماعی در دانشکده علوم اجتماعی جریان دارد)، رشته‌های کاربردی حوزه‌ی علوم اجتماعی هستند. در نظام‌های آموزشی دنیا، این گونه از رشته‌ها به دو صورت موجودیت پیدا می‌کنند:

الف) طراحی رشته‌های بین رشته‌ای با عناوینی چون ارتباطات، رفاه اجتماعی، توسعه اجتماعی و ... که با مشارکت گروه‌های مختلف از رشته‌های علوم اجتماعی هم‌چون اقتصاد، تاریخ، روان‌شناسی، جغرافی و رشته‌هایی از سایر دانشکده‌ها هم‌چون پزشکی، علوم طبیعی چون ریاضیات، زیست‌شناسی و موارد دیگر دایر می‌شوند. مثلاً در دانشگاه وینستون^۳ در آمریکا رشته‌ی مددکاری اجتماعی، بین رشته‌ای طراحی شده که با مشارکت بسیار درهم تنیده‌ی رشته‌های پزشکی، روان‌شناسی، مشاوره و جامعه‌شناسی دایر شده است.

ب) حالت دوم آن است که دایر کردن این رشته‌های کاربردی و تخصصی به مقطع کارشناسی ارشد موکول شوند (تجارب دانشگاه‌های ساسکس، پاریس، هاروارد را می‌توان عنوان کرد).

- توجه به حوزه‌ی پژوهش و تأکید بر رویکرد پژوهشی در مطالعات بین رشته‌ای. بسیاری از رشته‌ها و حوزه‌های بین رشته‌ای، در آغاز با انجام پژوهش‌های بین رشته‌ای شکل گرفته‌اند. در این مورد می‌توان با ارایه‌ی واحدهای درسی پژوهشی در قالب دروس اجباری به دانشجویان و تعریف مسایل و موضوعاتی گسترده که لازمه‌ی پژوهش در آن‌ها، توجه هم‌زمان به چندین رشته‌ی درسی و استفاده از منابع سایر رشته‌هاست، زمینه‌ی بین رشته‌ای شدن را در این حوزه‌ی علوم فراهم نمود.

در این جا می‌توان پروژه‌ها را به گونه‌ای تعریف کرد که در آن، دانشجویان با دو یا چند نفر از استادان علوم اجتماعی از گروه‌های مختلف کار کنند (به عنوان مثال می‌توان به دانشگاه مینی سوتا، دانشگاه جورج تاون، دانشگاه شیفیلد و دانشگاه ناتینگهام اشاره نمود).

(ب) راهبردهایی برای اجرای برنامه‌های درسی بین رشته‌ای در این حوزه از علوم.

- حفظ شیوه‌های مدیریتی انعطاف‌پذیر که استفاده از آن‌ها با سهولت انجام می‌پذیرد؛
- کاهش موانع و بهبود سطح پاداش‌ها برای پژوهش‌های خارج از مرزهای دپارتمانی؛
- کمک به پژوهش‌گران برای برقراری ارتباط میان دپارتمان‌ها، دانشکده‌ها و ارایه طرح‌هایی در این زمینه؛

- به منظور دستیابی به کار گروهی موفق، باید آن دسته از مؤلفه‌های بافت سازمانی را که لازم است دوباره طراحی شوند، مورد نظر قرار داد. این عوامل عبارتند از: ساختار، فرآیند، افراد، محرک‌ها و نظام پاداش‌ها.

مدل طراحی برنامه‌ی درسی بین رشته‌ای کارشناسی علوم اجتماعی

هم‌چنان که قبلاً اشاره شد، برنامه‌ی درسی منتج از رویکردهای بین رشته‌ای (ابزاری و مفهومی)، در ادبیات برنامه‌ی درسی بین رشته‌ای موجود هستند که به عنوان برنامه‌ی درسی متقارب (همگرا) یا همکارانه^۱ و برنامه‌ی درسی تلفیقی^۲ شناخته شده‌اند (کلین، ۲۰۰۵a,b). برنامه‌ی درسی در این دو دسته، از یک سو، متوجه حل مشکل است که از آن به عنوان برنامه‌ی درسی همگرا یا متقارب نام برده شده است و در چارچوب مطالعات بین رشته‌ای ابزاری در برنامه‌های درسی قرار می‌گیرد و از سوی دیگر گونه‌ای برنامه‌ی درسی ادغامی و تلفیقی است که به رویکرد مطالعات بین رشته‌ای نظری یا مفهومی در برنامه‌ی درسی، نزدیک‌تر است (کلین، ۱۹۹۶، ۱۹۹۰، ۲۰۰۵b).

رپکو دو نوع برداشت را از پیشوند «Inter» در واژه‌ی «Interdisciplinary» ارائه می‌دهد: Inter به معنی «بین» حوزه‌هایی از مطالعات^۱ و Inter به معنای چیزی که از چند حوزه‌ی مطالعاتی یا دانش استنتاج می‌شود^۲ (رپکو، ۲۰۰۸).

در معنای اول، بسیاری از متخصصان بین رشته‌ای، می‌گویند که هدف مطالعات بین رشته‌ای تمرکز بر مسایل و موضوعات چند وجهی است. نوول^۳ (۲۰۰۵) می‌گوید که ما در ارزیابی مسایل بین رشته‌ای به دنبال آن نیستیم که آن مسأله را از منظر رشته‌های گوناگون که در مطالعه‌ی آن مسأله نقش دارند بررسی کنیم، بلکه در ارزیابی آن باید به این سؤال پاسخ داد که آیا این مسأله اساساً پیچیده و چند وجهی است یا نه؟ این بدان معناست که در مطالعات بین رشته‌ای، رشته‌های درسی مرکز توجه متخصصان نیستند، بلکه نقطه‌ی تمرکز عبارت است از یک مسأله، مبحث یا یک سؤال ذهنی که هر رشته از منظر تخصص خود در پی پاسخ گفتن به آن است (رپکو، ۲۰۰۸).

در معنای دوم، آن‌چه استنتاج می‌گردد یک بینش، نظریه یا یک مضمون است. مثلاً آن‌چه مکاتب فکری گوناگون در مورد یک مسأله یا موضوع مطرح کرده‌اند. رپکو می‌گوید که اخذ یک عمل خاص از بینش‌های گوناگون، گونه‌ای از روش‌ها و مدل‌های بین رشته‌ای را به وجود خواهد آورد که تحت عنوان بین رشته‌ای تلفیقی شناخته شده است. در این‌جا، نتیجه‌ی عمل تلفیق، حصول به ایده‌هایی است که همیشه خاصیت تازگی و نو شدگی دارند، فراتر از محدوده‌های رشته‌ای قدم برمی‌دارند و در نتیجه، همیشه به موجودی دانش اضافه می‌کنند. این ایده، باعث ایجاد خط‌مشی‌های جدید، مطرح شدن سؤالات تازه، عرضه‌ی محصولات نو و در نتیجه، ضرورت شکل‌گیری عرصه‌های جدید (رشته‌ها)، در علم آشکارتر می‌شود.

گونه‌ی اول، مبتنی بر نوع متقارب برنامه‌ی درسی و اصل همکاری و گونه‌ی دوم، مبتنی بر برنامه‌ی درسی تلفیقی و اصل ادغام در آن حوزه است.

واژه‌های بین رشته‌ای همگرا یا متقارب و بین رشته‌ای تلفیقی، هر دو به منظور اشاره به محققانی که از رشته‌ها و زمینه‌های تحقیقاتی متفاوت با هم و برای رسیدن به هدفی همکاری و مشارکت دارند، به کار برده می‌شود. این تحقیقات می‌تواند یک تحقیق بنیادی باشد یا یک تحقیق کاربردی (براون^۴، ۱۹۹۰). در سطح تحقیقات بنیادی، هر دو اصطلاح به

1. "Inter" Means Between Fields of Studies

2. "Inter" Means Something Derived From Fields of Studies

3. Newell

4. Brown

منظور توصیف راه یا راه‌هایی به کار برده می‌شود که در آن، دسته‌ای از اعضای هیأت علمی از رشته‌های متفاوت، مثلاً روان‌شناسان، اقتصاددانان و متخصصان کامپیوتر، به منظور درک جامع‌تر از موقعیت‌ها و پدیده‌ها ممکن است با هم همکاری و اشتراک داشته باشند. در سطح کاربردی، آنان به دنبال توصیف فرآیندی هستند که در آن تیمی از افراد حرفه‌ای با پیش زمینه‌ی متفاوت، مثل طراحان، تکنولوژیست‌های آموزشی، متخصصان کامپیوتر و متخصص عوامل انسانی، با هم جمع می‌شوند تا محصولی را تولید کنند. مثلاً طراحی و کاربرد یک نرم افزار (کیم، ۱۹۹۰). بنابراین استفاده از هر دو واژه، به منظور اشاره به نوعی از همکاری و اشتراک، می‌تواند همسان باشد. اما زمانی که این واژه‌ها بر فرآیندهای متفاوتی از فعالیت‌های همیارانه و همکارانه اشاره دارند، ممکن است دارای معانی محدودتری باشند. به طور مثال، زمانی که گروهی از متخصصان با تخصص‌ها و از رشته‌های گوناگون، با هم بر روی یک پروژه همکاری می‌کنند ضرورتاً با موقعیتی که در آن تعدادی از متخصصان از رشته‌ها و تخصص‌های محدودتری (از لحاظ تنوع) طی یک فرآیند، سعی دارند تا مفاهیم جدید و بینش‌های نوین بیافرینند و یا سطوح متفاوتی از تبیین و تفسیر را با هم تلفیق کنند، یکسان نیست. گونه‌ی اول یک شیوه‌ی چند رشته‌ای است که در آن، متخصصان با تخصص خود و بدون انجام هر گونه تلفیق با هم به بررسی یک مسأله می‌پردازند. اما گونه‌ی دوم یک فعالیت بین رشته‌ای است، آن‌جا که سؤالات پژوهشی نوین و تازه‌ای تحقق پیدا می‌کنند.

بر این اساس، تفاوت بنیادی بین روی کرد همگرا و بین رشته‌ای تلفیقی با سازوکار فرآیند پژوهش و متعاقباً با پیامدهای آن فرآیندها مرتبط است. روی کردهای بین رشته‌ای به دنبال خلق و یا شناسایی مفاهیم، روش‌ها، و چارچوب‌های نظری نوینی از رهگذر آمیختن مفاهیم، روش‌ها و چارچوب‌های مفهومی مربوط به رشته‌های درسی متعدد هستند. مثالی از این نوع عبارت است از اقتصاد زیست شناختی، آن‌جا که جنبه‌های علمی وقایع زیستی با نتایج اجتماعی آن‌ها تلفیق شده، تا ابعاد اقتصادی آن پدیده ارزیابی گردد. در مقابل، روی کرد متقارب به دنبال توسعه و بسط درک جدیدی از پدیده‌ها از راه جذب مفاهیم، روش‌ها و چارچوب‌های نظری موجود در درون رشته‌ها، می‌باشد (ریکو، ۲۰۰۸).

با توجه به این مطلب، مدل برنامه‌ی درسی مورد نظر ما، با برداشت اول از Interdisciplinary هماهنگ است و به دنبال ایجاد تقارب و همگرایی در بین حوزه‌های مطالعاتی و رشته‌های درسی (که در قالب نوع A و B^۱ برنامه‌ی درسی آمده است)،

می‌باشد. بنابراین رسیدن به سطح تلفیق کامل، نیازمند فرآیند انباشت دانش نظری بین رشته‌ای در یک حوزه‌ی ویژه است که این کار یک فرآیند مدت‌دار و زمان‌بر است. گذر به سمت بین رشته‌ای شدن، ضرورتاً از مسیر چند رشتگی می‌گذرد. فرآیند انباشت تلفیقی هم، ابتدا از چند رشتگی شروع شده و در نهایت به جایی می‌رسد که از نظر انباشت دانش تلفیقی، ایجاد یک رشته یا حوزه‌ی جدید مطالعاتی بین رشته‌ای امری امکان‌پذیر می‌گردد. به قول نوول (۲۰۰۷a,b) در گفت‌وگو بین رشته‌ای، رشته‌ها یا حوزه‌های جدید بین رشته‌ای (به معنای تلفیقی آن) از ادغام و یا آمیزش صوری و محتوایی دو یا چند رشته‌ی سنتی و علمی شکل نمی‌گیرند، بلکه محصول پژوهش، آزمایش و تجربه‌های جدیدی هستند که طی سال‌ها همکاری بین رشته‌ای شکل می‌گیرند.

برنامه‌های درسی طراحی شده (A و B) هر دو به دنبال ایجاد شرایط برای همکاری میان متخصصان رشته‌های مختلف هستند. در نوع A، متخصصان به بررسی جنبه‌های متفاوت یک پدیده می‌پردازند، به این منظور که نتایج به دست آمده بر هم منطبق بوده، تکمیل‌کننده‌ی هم باشند و ابهامات یک‌دیگر را برطرف سازند. در نوع B، متخصصان رشته‌ها با همکاری یک‌دیگر موضوعی را که هر یک از آن‌ها از منظر رشته‌ی خود به‌طور متفاوتی می‌بینند، بررسی می‌کنند. آن‌ها تلاش می‌کنند با پرداختن به یک طرح موضوعی (مفهومی یا کاربردی) مشترک، به استفاده از زبانی مشترک و در نهایت به خلق شیوه‌ی تحلیل جدیدی برسند. برنامه درسی نوع B به طور نظری، موجب ایجاد برنامه آموزشی تخصصی در حوزه‌ی علمی جدید شده یا به پیدایش رشته‌ای جدید می‌انجامد. ممکن است روش A به نسبت نوع دوم برنامه‌های درسی، دارای ابتکارات کمتری باشد در حالی که از خلاقیت کمتری برخوردار نیست، اما به نسبت نوع دوم برنامه درسی، بیش‌تر به دنبال آن است تا از رشته‌های مرتبط با خود کمک بگیرد و موجب پیشرفت رشته‌های تخصصی موجود شود.

با توجه به ساختار برنامه‌ی درسی، با نظر به تجارب نظام‌های آموزشی مختلف و مطالعات انجام شده در این حوزه، مدل مورد نظر ما دو رویکرد را برای مطالعات بین رشته‌ای ارائه می‌دهد.

در این‌جا آن‌چه تحت عنوان دوره‌های بین رشته‌ای علوم اجتماعی ارائه شده است و منجر به ارائه مدارک مقطع کارشناسی می‌شود، دارای دو بخش است: رشته‌ی اصلی (مهاد) و فرعی (کهاد). دانشجویان می‌توانند رشته‌ی اصلی را در یکی از رشته‌های علوم اجتماعی هم‌چون انسان‌شناسی، اقتصاد، جغرافی، علوم سیاسی، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی، انتخاب

کنند و رشته‌های فرعی (کهاد)^۱ را نیز بر اساس رشته کهاد خود برگزینند که شامل یک یا چند رشته از رشته‌های بین رشته‌ای علوم اجتماعی هم‌چون ارتباطات اجتماعی، سیاست‌های محیطی، مطالعاتی بهداشتی، منابع انسانی و اجتماعی، مطالعات بین‌المللی، حقوق و اجتماع، مطالعات نسلی و ... است را در کنار آن رشته‌ی اصلی انتخاب کنند. هدف اصلی در این‌جا، ایجاد گونه‌ای مشارکت و همکاری بین رشته‌های علمی و ایجاد تقارب بین آن‌هاست. این دسته از برنامه‌های درسی بر رویکرد متقارب یا همگرایی برنامه‌ی درسی منطبق است. گونه‌ی دیگر آموزش‌های بین رشته‌ای به این صورت است که دوره‌های کارشناسی را به دو بخش تقسیم می‌کنند: ۱- دروس پایه و الزامی که دربرگیرنده‌ی ۵۰ واحد درسی است و معمولاً در دو سال اول آموزش دوره کارشناسی ارایه می‌شوند و شامل دروس پایه و مبنا در رشته‌های علوم اجتماعی است؛ دانشجویان می‌توانند با راهنمایی مشاوران تحصیلی خود و بر اساس دوره‌ی بین رشته‌ای که مدنظر دارند، در بین دروس پایه رشته‌های علوم اجتماعی دست به انتخاب بزنند. ۲- انتخاب یکی از رشته‌های بین رشته‌ای علوم اجتماعی به عنوان رشته اصلی (مهاد). در این‌جا، دوره‌ی پیشنهادی یک دوره کاملاً بین رشته‌ای است و هدف آن ایجاد تلفیق و همگرایی بیش‌تر (به نسبت نوع اول) در بین رشته‌های درسی است. پس مطابق با رویکرد برنامه‌ی درسی بین رشته‌ای متقارب یا همگرا دو نوع برنامه‌ی درسی بین رشته‌ای در حوزه‌ی علوم اجتماعی در سطح کارشناسی می‌توان ارایه نمود (نمودار ۲).

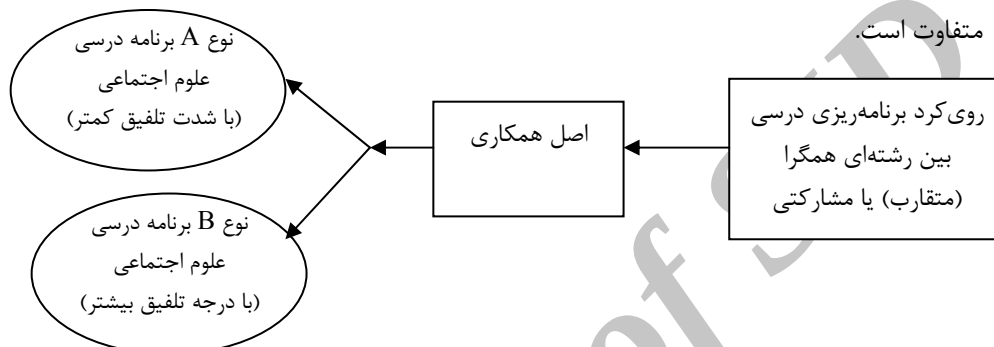
نوع A: این گونه از برنامه‌ی درسی بر مبنای مطالعات بین رشته‌ای روشی یا ابزاری و رویکرد برنامه‌ی درسی متقارب (همگرا) و مشارکتی است. در این‌جا، دوره‌ی بین رشته‌ای به عنوان رشته‌ی فرعی محسوب می‌شود (جدول ۴). دروس ارایه شده در این دسته از مدارک شامل موارد زیر هستند: الف) یکی از رشته‌های اصلی علوم اجتماعی (۶۰ واحد)؛ ب) متناسب با رشته اصلی انتخابی آن‌ها، از میان دوره‌های بین رشته‌ای دست به انتخاب می‌زنند (۴۰ واحد).

نوع B: این گونه از برنامه‌ی درسی هم، منطبق بر مطالعات بین رشته‌ای روشی یا ابزاری و رویکرد برنامه‌ی درسی متقارب (همگرا) است. در این‌جا، دوره‌ی بین رشته‌ای به عنوان رشته‌ی اصلی محسوب می‌شود (جدول ۵). دروس ارایه شده در این دسته از مدارک شامل موارد زیر هستند: الف) یکی از دوره‌های بین رشته‌ای علوم اجتماعی است (۵۰

۱. مجموعه درس‌هایی است که رشته فرعی تحصیلات دانشگاهی را تشکیل می‌دهد که به‌وسیله یک یا چند گروه آموزشی عرضه می‌شود.

واحد؛ ب) واحدهای درسی پایه و الزامی در رشته‌های منتخب از علوم اجتماعی که جمعاً ۵۰ واحد هستند (جدول ۶)؛

نوع A و B برنامه‌ی درسی ارایه شده در این مدل، هر دو منطبق بر رویکرد متقارب (همگرا) از برنامه درسی است که بر مشارکت و همکاری بین رشته‌های درسی و حوزه‌های مختلف دانش تأکید دارد. نکته اساسی این جاست که اگرچه این دو نوع برنامه ارایه شده هر دو منطبق بر یک مبنای نظری و مفهومی هستند، اما شدت تلفیق و ترکیب در آن‌ها متفاوت است.



نمودار ۲: رابطه‌ی بین رویکرد برنامه‌ی درسی بین رشته‌ای، اصول سازمان‌دهی و برنامه‌های درسی علوم اجتماعی

در حقیقت می‌توان گفت که شدت تلفیق در نوع B از برنامه‌های درسی پیشنهادی از نوع اول بیش‌تر و در این‌جا امکان همگرایی در بین رشته‌های درسی بیش‌تر است.

جدول ۴: دروس ارایه شده در نوع A از برنامه درسی بین رشته‌ای علوم اجتماعی

نوع دروس	تعداد واحد
دروس اصلی یکی از رشته‌های علوم اجتماعی	۶۰
دروس منتخب از گرایش‌های بین رشته‌ای (متناسب با رشته‌ی مه‌اد)	۴۰

جدول ۵: دروس ارایه شده در نوع B از برنامه درسی بین رشته‌ای علوم اجتماعی

نوع دروس	تعداد واحد
دروس الزامی و پایه در رشته‌های منتخب علوم اجتماعی	۵۰
دروس ارایه شده در یکی از دوره‌های بین رشته‌ای (به عنوان رشته مه‌اد)	۵۰

به دلیل هم‌پوشانی مرزهای رشته‌های درسی با هم‌دیگر، در این حوزه‌ی دانش، بسیاری از دانشگاه‌ها و دانشکده‌های علوم اجتماعی در دنیا، سعی دارند تا دوره‌هایی طراحی کنند که بتوانند با نزدیک کردن هرچه بیش‌تر و بهره بردن از تمام تبیین‌ها و بصیرت‌های حاصل از رشته‌های مختلف علوم اجتماعی، بخشی از مدارک تحصیلی دوره کارشناسی را به می‌ب‌ت بین رشته‌ای در علوم اختصاص داده و با تعریف موضوعات و پروژه‌های بین رشته‌ای

و همچنین رشته‌های نوین بین رشته‌ای قرار دادن آن‌ها به عنوان رشته‌ی اصلی (مه‌اد) در کنار یکی از رشته‌های علوم اجتماعی به عنوان رشته‌ی فرعی (ک‌هاد) و یا برعکس، اقداماتی در جهت پوشش مرزهای مشترک آن‌ها انجام دهند.

جدول ۶: نمونه‌ی دروس پایه (الزامی) ارایه شده برای نوع B از برنامه‌های درسی بین

رشته‌ای علوم اجتماعی

اسم درس	اسم درس
انسان شناسی	جامعه شناسی
مبانی انسان شناسی	جامعه شناسی عمومی (۱)
انسان شناسی زیستی	مبانی علم جامعه شناسی
اقتصاد	نظریه‌های جامعه شناسی
اقتصاد خرد و کلان	مکاتب جامعه شناسی
مبانی علم اقتصاد	جامعه شناسی در دوران مدرن
جغرافیا	روان شناسی
مبانی علم جغرافیا	روان شناسی عمومی
نظریه‌های جغرافیا	روان شناسی رشد

بسیاری از دانشگاه‌های مجری برنامه‌های بین رشته‌ای حوزه‌ی علوم اجتماعی در جهان، به این نتیجه رسیده‌اند که دانشجویان به دنبال برنامه‌های کارشناسی فراگیر و گسترده‌ای هستند که امکان آشنایی با رشته‌های مختلف علوم اجتماعی را به آن‌ها می‌دهد. به گونه‌ای که آن‌ها را برای دنیای کار آماده‌تر و یا برای انجام مطالعات پیشرفته در حوزه‌های علوم اجتماعی کمک کند. دلیل وجودی دوره‌های کارشناسی بین رشته‌ای در علوم اجتماعی آن است که فرصت‌هایی را برای دانشجویان ارایه کند تا از اجماع درونی و تنوع ذاتی علوم اجتماعی آگاه شده، از این طریق یک دوره‌ی آموزشی چند وجهی و خوب تلفیق شده را پشت سر بگذارد (اسکوپنبرگر^۱، ۲۰۰۱).

ساختار رشته‌های جدید حوزه‌ی علوم اجتماعی و برنامه‌ی درسی آن‌ها

اگرچه ساختار برنامه‌های درسی کنونی متشکل از دو دسته دروس عمومی و تخصصی است، اما ساختار برنامه‌های درسی در این دو دسته از الگوی طراحی (A و B) تنها مبتنی بر دروس تخصصی است و تصمیم‌گیری در رابطه با دروس عمومی^۲ که دروس مشترک

1. Schoenberger

۲. می‌توان به طراحی این دروس نیز به شیوه‌ی بین رشته‌ای پرداخت، اما تمرکز اصلی مدل در این پژوهش بر دروس تخصصی است.

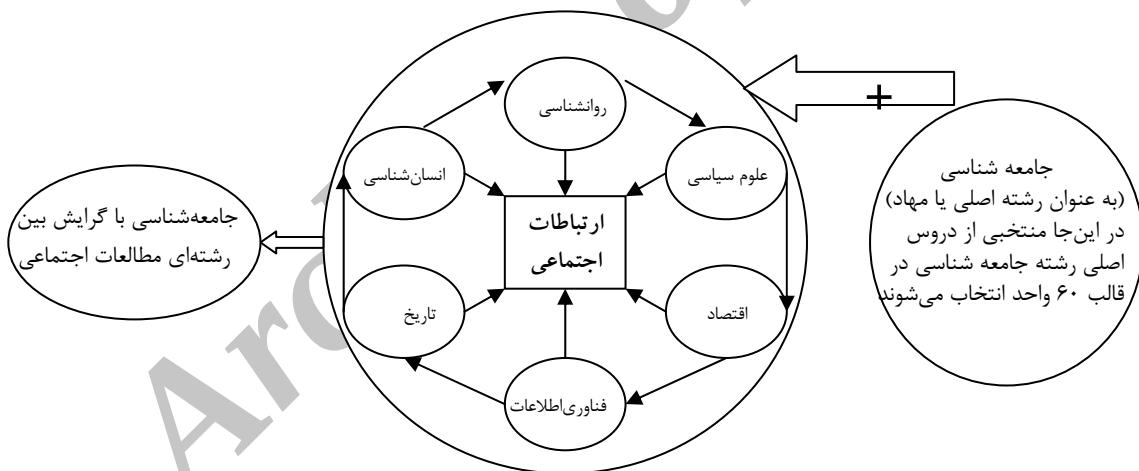
تمام رشته‌های تحصیلی است و تلاش برای طراحی آن‌ها با روی‌کرد بین رشته‌ای، در چارچوب این مدل قرار نمی‌گیرد. هم‌چنان‌که قبلاً گفتیم، ساختار پیشنهادی ما دربرگیرنده‌ی دو نوع A و B از برنامه‌های درسی کارشناسی علوم اجتماعی بین رشته‌ای است. در نوع A، رشته‌ی اصلی شامل یکی از رشته‌های علوم اجتماعی است که در بیش‌تر مطالعات در سطح دنیا شامل رشته‌های انسان‌شناسی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، اقتصاد، جغرافی و علوم سیاسی هستند (ویکیپدیا، رپکو، ۲۰۰۵a). دانشجویان می‌توانند با توجه به رشته اصلی که انتخاب می‌کنند، یکی از دوره‌های بین رشته‌ای علوم اجتماعی را به عنوان رشته‌ی فرعی در کنار آن انتخاب کنند که دارای بیش‌ترین هم‌خوانی و تناسب با رشته‌ی اصلی آن‌ها باشد (جدول ۷). دروس بین رشته‌ای طراحی شده، مبنایی را برای دانشجویان فراهم می‌کنند تا بتوانند به صورت پیگیرانه مطالعات بین رشته‌ای را در ارتباط با پدیده‌ها و مسایل اجتماعی پیچیده دنبال کنند. دروس رشته‌ای هم به توسعه‌ی مهارت‌های بسیار تخصصی در تحلیل مسایل، روش‌شناسی تحقیق و تفکر انتقادی کمک می‌کند.

به طور مثال، دانشجویان می‌توانند از میان رشته‌های بین رشته‌ای^۱ یکی را انتخاب کنند و با اخذ مشاوره از راهنمایان، برنامه‌ریزان درسی و مشاوران تحصیلی، حوزه‌ی بین رشته‌ای خود را متناسب با رشته‌ی اصلی (شامل یکی از رشته‌های علوم اجتماعی شش‌گانه) که بیان شد، ترکیب سازند و مدرک کارشناسی خود را که شامل یک رشته اصلی (مهاد) با یک رشته فرعی (کهاد) است، دریافت نمایند. نمونه‌ای از ترکیب دروس در این مدل را در نمودار ۳ می‌بینید.

۱. ارتباطات اجتماعی؛ سیاست‌گذاری‌های محیطی؛ مطالعات بهداشت و سلامت؛ مطالعات نسلی؛ منابع انسانی و جامعه؛ مطالعات بین‌المللی؛ حقوق و اجتماع و سیاست‌گذاری عمومی.

جدول ۷: ترکیب رشته‌های جدید علوم اجتماعی در نوع A از برنامه‌های درسی

رشته‌های اصلی علوم اجتماعی	دوره‌های بین رشته‌ای متناسب با هر کدام از رشته‌ها	نمونه‌ای از رشته‌های جدید
انسان‌شناسی	ارتباطات اجتماعی - حقوق و اجتماع.....	انسان‌شناسی با گرایش بین‌رشته‌ای ارتباطات اجتماعی.....
روان‌شناسی	ارتباطات اجتماعی - تحول نسلی - مطالعات بهداشت و سلامت	روان‌شناسی با گرایش بین رشته‌ای تحول نسلی.....
جامعه‌شناسی	ارتباطات اجتماعی - منابع انسانی و اجتماع - مطالعات بین الملل - سیاست‌گذاری عمومی - حقوق و اجتماع.....	جامعه‌شناسی با گرایش بین رشته‌ای سیاست‌گذاری عمومی....
جغرافی	سیاست‌گذاری محیطی -	جغرافی با گرایش بین رشته‌ای سیاست‌گذاری محیطی.....
علوم سیاسی	مطالعات بین الملل - حقوق و اجتماع - سیاست‌گذاری عمومی...	علوم سیاسی با گرایش بین رشته‌ای مطالعات بین الملل.....
اقتصاد	منابع انسانی و اجتماع، سیاست‌گذاری عمومی	اقتصاد با گرایش بین رشته‌ای سیاست‌گذاری عمومی.....



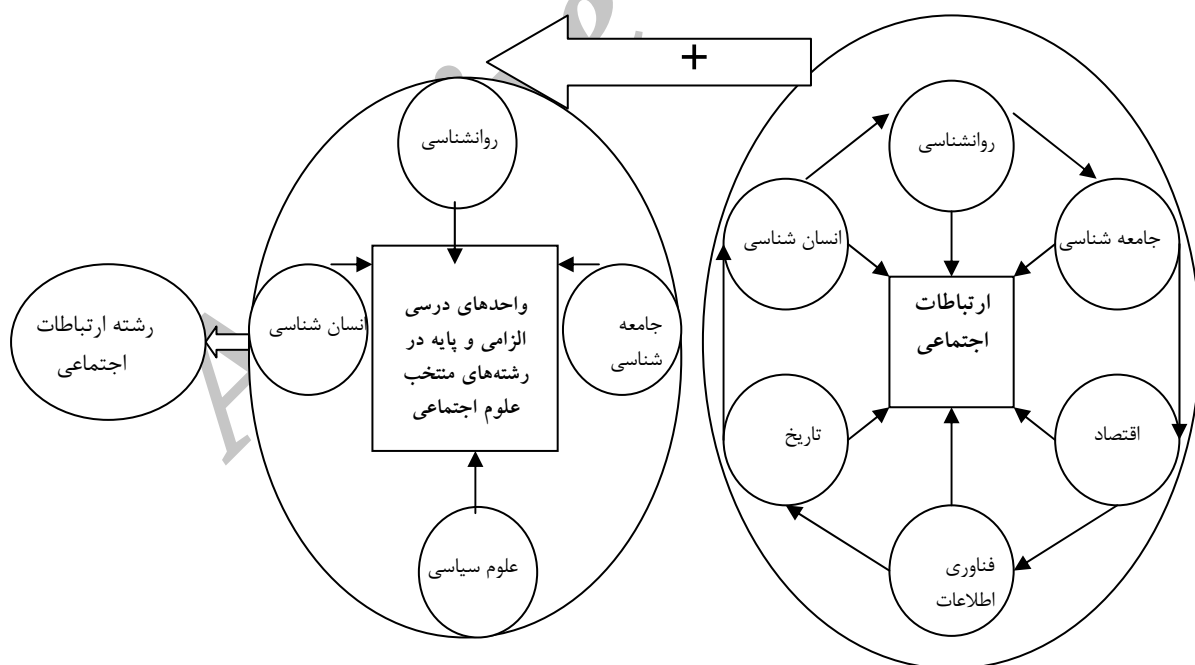
نمودار ۳: مثالی از ترکیب رشته‌ها در برنامه درسی بین رشته‌ای علوم اجتماعی (نوع A)

در نوع B از برنامه‌های درسی، دانشجویان ابتدا در میان دوره‌های بین‌رشته‌ای، رشته‌ی اصلی (مهاد) را انتخاب می‌کنند و با اخذ راهنمایی‌ها و مشورت از مشاوران تحصیلی، دروسی از رشته‌های منتخب علوم اجتماعی که تناسب بیش‌تری با رشته‌ی مهاد آن‌ها دارد را انتخاب می‌کنند. بدین ترتیب مدرک کارشناسی آن‌ها شامل یک دوره بین

رشته‌ای (که رشته‌ی اصلی آن‌هاست)، دروس رشته‌های علوم اجتماعی منتخب و ۳۰ واحد درس عمومی است (جدول ۸). نمونه‌ای از ترکیب دروس در این مدل را در نمودار ۴ ملاحظه می‌کنید. ساختار برنامه درسی یکی از رشته‌های پیشنهادی بین رشته‌ای را که در این نوع از برنامه‌ی درسی (نوع B) حاصل شده است در پیوست مقاله ملاحظه می‌فرمایید.

جدول ۸: ترکیب رشته‌های بین رشته‌ای در حوزه علوم اجتماعی در نوع B از برنامه‌های درسی

دوره‌های بین رشته‌ای	رشته‌های علوم اجتماعی که واحدهای درسی پایه از بین آن‌ها انتخاب می‌شود	رشته جدید (بین رشته‌ای)
ارتباطات اجتماعی	انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، روان‌شناسی	ارتباطات اجتماعی
حقوق و اجتماع	جامعه‌شناسی، علوم سیاسی	حقوق و اجتماع
مطالعات بهداشت و سلامت	روان‌شناسی	مطالعات بهداشت و سلامت
منابع انسانی و اجتماع	جامعه‌شناسی، اقتصاد	منابع انسانی و اجتماع
مطالعات بین الملل	جامعه‌شناسی، علوم سیاسی	مطالعات بین الملل
سیاست‌گذاری عمومی	علوم سیاسی، اقتصاد	سیاست‌گذاری عمومی
حقوق و اجتماع	جامعه‌شناسی، علوم سیاسی	حقوق و اجتماع
سیاست‌گذاری محیطی	جغرافی	سیاست‌گذاری محیطی



نمودار ۴: مثالی از ترکیب رشته‌ها در برنامه درسی بین رشته‌ای علوم اجتماعی (نوع B)

نتیجه‌گیری

برنامه‌ی درسی بین رشته‌ای، پرداختن به کشف رابطه‌ها، نمایاندن هم‌پوشانی‌ها، ایجاد معرفت‌شناسی و توسعه‌ی روش‌شناسی‌هایی است که در نهایت، به خلق حوزه‌ی معرفتی جدید منجر می‌گردد. در این پژوهش، سعی شد تا با بازنگری برنامه‌های درسی کنونی در حوزه‌ی علوم اجتماعی و بهره بردن از نظرات تخصصی و کارشناسی متخصصان حوزه‌ی علوم اجتماعی از یک طرف و بررسی برنامه‌های درسی بین رشته‌ای در این حوزه در سایر نظام‌های آموزشی، به ارایه یک مدل برای ایجاد و طراحی دوره‌ها و برنامه‌های درسی بین رشته‌ای، در این حوزه از علوم پرداخته شود. برای طراحی برنامه‌های درسی بین رشته‌ای در حوزه علوم اجتماعی، قبل از هر چیز باید دیدگاه کنونی به این علوم و دامنه و چارچوب این علوم را تغییر داد. در کشور ما نوعی برداشت از علوم اجتماعی وجود دارد که با عنوان علوم اجتماعی خاص شناخته می‌شود و این امر باعث شده که علوم اجتماعی را با گرایش‌های چندانکه در نظام آموزشی خود داشته باشیم که در نهایت با واقعیت علوم اجتماعی به معنای عام بسیار متفاوت است. این دید به علوم اجتماعی، باعث مجزا شدن، دور شدن و شکافته شدن رشته‌های بنیادین حوزه‌ی علوم اجتماعی (یعنی روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، حقوق، انسان‌شناسی، جغرافی، اقتصاد) به تخصص‌هایی است که روز به روز زمینه‌ی مجزا شدن را در این رشته‌های علمی به دنبال می‌آورد. از نگاه مدل طراحی شده در این پژوهش، راه‌های متعددی برای ایجاد ارتباط و طراحی برنامه‌های درسی بین رشته‌ای در حوزه‌ی علوم اجتماعی کارشناسی وجود دارد که در نهایت می‌توان در شرایط کنونی با بهره بردن از الگوی طراحی برنامه‌ی درسی بین رشته‌ای همگرا یا متقارب سعی در ایجاد دوره‌های بین رشته‌ای در سطح کارشناسی نمود. با امید به این که این امر زمینه‌ای برای حرکت به سمت طراحی برنامه‌های درسی تلفیقی و ادغامی در حوزه علوم اجتماعی و سایر حوزه‌های دانش در آموزش عالی ما ایجاد کرده باشد. مدل پیشنهادی اگرچه برای حوزه‌ی علوم اجتماعی ارایه شده است، اما با توجه به این که بسیاری از حوزه‌های دانشی در آموزش عالی ما دارای خاصیت چندگرایشی بودن هستند، می‌توان از این مدل برای سایر حوزه‌های علوم در نظام آموزش عالی نیز استفاده نمود.

منابع

الف. فارسی

۱. اجلائی، پرویز. (۱۳۸۷). بازسازی گستره علوم اجتماعی با تأکید بر برنامه‌های درسی. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۲. بازرگان، عباس. (۱۳۸۷). مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق کیفی و آمیخته، رویکردهای متداول در علوم رفتاری. تهران: نشر دیدار.
۳. دانایی فرد، حسن؛ الوانی، سید مهدی. و آذر، عادل. (۱۳۸۸). روش‌شناسی پژوهش کیفی در مدیریت: رویکردی جامع. تهران: انتشارات صفار.
۴. راتکلیف، جی. ال. (۱۳۷۶). برنامه درسی: دوره کارشناسی. مترجم: ب. نصیری. گزیده مقالات دایرة المعارف آموزش عالی. جلد اول. تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
۵. سلیمی، جمال؛ ملکی، حسن؛ مهرمحمدی، محمود. و ابراهیمی قوام، صغری. (۱۳۹۰). طراحی یک الگوی نظری برنامه درسی بین رشته‌ای در حوزه آموزش عالی. چاپ شده در دوفصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات برنامه درسی آموزش عالی. شماره ۴.
۶. قانع‌ی راد، محمد امین. (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی تولید و کاربرد دانش در ایران. تهران: مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور.
۷. گال، مرددیت؛ بورگ، والتر. و گال، جویس. (۱۳۸۴). روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روانشناسی (جلد اول). مترجم: ا. نصر و همکاران. تهران: منتشر شده به شیوه مشترک توسط انتشارات سمت و دانشگاه شهید بهشتی.
۸. نراقی، احسان. و آیتی، عطا. (۱۳۷۹). نظری به تحقیقات اجتماعی در ایران. تهران: انتشارات سخن.

ب. انگلیسی

9. Bailis, S. (2006). Interdisciplinary Curriculum Design and Instructional Innovation: Notes on the Social Science Program at San Francisco State University. In Carolyn Haynes (Ed.), **Innovations in Interdisciplinary Teaching Westport**. CT: Oryx Press. pp: 3-15
10. Barker, K. K., Bosco, C., & Oandasan, I. F. (2005). Factors in implementing Interprofessional education and collaborative practice initiatives: findings from key informant interviews, **Journal of Interprofessional Care**. Supplementary 1:166-76.

11. Brown, G., D. (1990). Cognitive Science and its relation to psychology. **The Psychologist**. 8: 339-343.
12. Calhoun, C. (2002a). **The Future of Sociology: Interdisciplinarity and Internationalisation**. Paper presented to the University of Minnesota Sociology Department during its Centennial Celebration, March.
13. Calhoun, C. (Ed.). (2002b). **Dictionary of the social sciences**. Oxford: Oxford University Press.
14. Ember, C., R. Ember, M. (2004). **Anthropology**, 11th edition. Upper Saddle River, NJ: Prentice Hall. Pearson Prentice Hall.
15. Garretón, A. (2005). **Social sciences and society in Chile: institutionalization**. Social sciences in Latin America (1930–2003), SAGE Publications. London: Thousand Oaks, CA and New Delhi.
16. Hoffman, K., Vernoy, M. and Vernoy, J. (2000). **Psychology in Action**. 5th ed. NY: John Wiley and Sons.
17. Kim, S. (1990). Interdisciplinary collaboration. In B. Laurel, B. (ed) **The Art of Human Computer Interface Design**. Boston, Massachusetts: Addison- Wesley Publication.
18. Klein, J. T. (2005a). **Humanities, Culture, and Interdisciplinarity: The Changing American Academy**. Albany, NY: State University of New York Press.
19. Kelein, J. T. (1990). **Interdisciplinarity: History, Theory and Practice**. Detroit: Wayne State University Press.
20. Klein, J. T. (1996). **Crossing Boundaries: Knowledge, Disciplinarity, and Interdisciplinarity**. Charlottesville, VA: University Press of Virginia.
21. Klein, J. T. (2003). History of Transdisciplinary Research: Contexts of Definition, Theory, and the New Discourse of Problem Solving.” In **Encyclopedia of Life Support Systems**. U.K.: 2003.
<http://www.eolss.com>
22. Klein, J. T. (2005b) Interdisciplinary teamwork: The dynamics of collaboration and integration. In S.J. Derry, C. D. Schunn, & M. A. Gernsbacher (Eds.). **Interdisciplinary Collaboration: An Emerging Cognitive Science**. Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum. pp: 23-50.
23. Mackey, J. L. (2001). Another approach to interdisciplinary Studies. **Issues in Integrative Studies**. 19: 59-70.

24. Miller, R. C. (1982). Varieties of interdisciplinary approaches in the social sciences. **Issues in integrative studies**. 1: 1-37.
25. Morrill, R. (2008). Is geography a science? **Geographical Analysis**.
26. Newell, W. (2005). **Distinctive challenges of Library-Based Interdisciplinary research and Writing**. Unpublished Paper.
27. Newell, W. H. (2001a). A Theory of Interdisciplinary Studies. **Issues in Integrative Studies**. 19: 125.
28. Newell, W. H. (2001b). Powerful pedagogies. In Barbara Leigh Smith and John McCann (Eds.), **Reinventing Ourselves: Interdisciplinary Education, Collaborative Learning, and Experimentation in Higher Education** (pp: 196-211). Bolton, MA: Anker Publishing Company, Inc.
29. Newell, W. H. (2007). Decision Making in Interdisciplinary Studies. In Goktug Morcol (Ed.). **Handbook of Decision Making**. New York: Marcel-Dekker. pp: 245-264.
30. Rege Colet, N. (2006). L'enseignement Interdisciplinaire A L'universite de la planification curriculaire. **L'enseignement Interdisciplinaire à l'Université**.
31. Repko, A. F. (2005). **Interdisciplinary Practice: A Student Guide to Research and Writing**. Boston: Pearson Custom Publishing.
32. Repko, A. F. (2008). **Interdisciplinary Research: Process and Theory**. Los Angeles: SAGE Publication Inc.
33. Salter, L. & Hearn, A. (1996). **Outside the lines: Issues in interdisciplinary research**. Montreal, QP: McGill-Queen's University Press.
34. Schoenberger, E. (2001). Interdisciplinary and Social power. **Progress in Human Geography**. 25: 365-382.
35. Smelser, N. S. & Swedberg, R. (2005). The Handbook of Economic Sociology, Second Edition. **Times Literary Supplement**. Princeton: Co-Published by Princeton University Press and Russell Sage.